

بررسی آزادی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری

محمود علی پور گرجی*

چکیده

نقطه عزیمت دیدگاه مقام معظم رهبری درباره آزادی، هستی‌شناسی است و با این پرسش آغاز می‌شود که منشأ و خاستگاه آزادی چه کسی است؟ معظم له، آزادی را یک امر ضروری و در شمار حقوق طبیعی و اولیه بشری می‌داند که از سوی دولت‌ها به شهروندان اعطا نشده است؛ بلکه نعمتی از طرف خداوند است. ایشان با تحلیل آزادی در اسلام، شرق و غرب، پس از طی سه مرحله، تعریفی از آزادی سیاسی ارائه می‌دهند. در مرحله اول تأکید دارند که جامعه اسلامی باید در مفهوم آزادی، مستقل از غرب و شرق بیندیشد و یک فکر تقلیدی نداشته باشد. در مرحله دوم آزادی در مکتب اسلام را به آزادی از غیر خدا تعریف می‌کنند. در نهایت ایشان با توجه به این دو مرحله، آزادی سیاسی را به نقش و مشارکت مردم در نظام سیاسی تعریف می‌کنند.

واژگان کلیدی

حقوق طبیعی، آزادی سیاسی، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی احزاب.

alipour-mg558@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۰/۴/۱۵

*. استادیار دانشگاه آیت‌الله بروجردی.

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۱۲

مقدمه

در باب مفهوم آزادی، ما باید ... مستقل فکر کنیم. تقلیدی و تبعی فکر نکنیم. اگر در این مسئله که پایه بسیاری از مسایل و پیشرفت های ماست، بنا شد تقلید بکنیم... خطای بزرگی مرتکب شدیم؛ نتیجه تلخی در اختیار خواهد بود. (بیانات، ۱۳۷۷/۶/۱۲)

«آزادی سیاسی در جامعه اسلامی، یک امر ضروری است» (بیانات، ۱۳۶۵/۱۱/۱۸ و ۱۳۷۰/۱۰/۱۱) و «فراهم آوردن زمینه های این امر مهم، به عهده دولت و همه شهروندان به عنوان یک فرد مسلمان می باشد». (بیانات، ۱۳۷۹/۹/۱۲) آیت الله خامنه ای با تأکید بر آزادی سیاسی، خطاب به همه مردم بیان می کنند: «در اسلام هر فردی دارای حق آزادی است و نمی توان شخصی را به دلیل داشتن فکر سیاسی مؤاخذه کرد».

گرایش های سیاسی و اندیشه های سیاسی در جامعه اسلامی آزاد است. هیچ کس را به جرم داشتن یک فکر سیاسی یا یک فکر علمی نمی توان مورد تعقیب قرار داد و اسلام اجازه این کار را نمی دهد. (بیانات، ۱۳۶۵/۱۱/۱۷)

ایشان بارها به تشریح و تبیین آزادی، همت گماشته اند. با توجه به اینکه مقام معظم رهبری، اصول و خطامشی های حاکم بر جهت گیری نظام را مشخص می کند، بر این اساس، روشن شدن دیدگاه های معظم له در مقوله آزادی، می تواند برای جامعه و گروه ها بسیار راه گشا باشد و چنانچه روند آزادی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران با تغییر دولت ها دچار نوسان شود، اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری می تواند شاخص مناسبی برای یافتن مسیر باشد. وضعیت مطلوب آزادی سیاسی جمهوری اسلامی ایران برگرفته از اسناد بالادستی (شامل قانون اساسی و سند چشم انداز) و اندیشه سیاسی رهبران عالی نظام (شامل اندیشه سیاسی امام و مقام معظم رهبری) است. این نوشتار به اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای اختصاص دارد و بقیه، به پژوهش دیگری نیاز دارد.

آزادی سیاسی در اندیشه های معظم له بیشتر به صورت نمایه از سوی مؤسسات و نهادها مطرح شده است. برخی از تألیفات مانند «آزادی در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی» (محمدی، ۱۳۸۷) از جمله کتاب های معدودی است که به بررسی اندیشه سیاسی معظم له در زمینه آزادی سیاسی

پرداخته است. پژوهش حاضر، برای بررسی آزادی سیاسی در اندیشه سیاسی معظم‌له تلاش کرده است. این پژوهش، نتیجه بررسی اندیشه سیاسی رهبر فرزانه انقلاب است که به صورت سخنرانی، خطبه‌های نماز جمعه و بیانات ایشان که تا سال ۹۰ مطرح فرموده‌اند، می‌باشد. بررسی آزادی سیاسی در این پژوهش، تحقیقی هنجاری است و به دنبال پاسخ به این پرسش است که با توجه به اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، آزادی سیاسی در ج.ا.ا. باید چگونه باشد؟ برای پاسخ به پرسش اصلی، لازم است درک درستی از خاستگاه و منشأ آزادی، مفهوم آزادی و آزادی سیاسی، آزادی بیان، مطبوعات، احزاب و انتخابات از منظر معظم‌له داشته باشیم.

خاستگاه و منشأ آزادی؛ هستی‌شناسی آزادی

نقطه عزیمت دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره آزادی، هستی‌شناسی است و با این پرسش آغاز می‌شود که منشأ و خاستگاه آزادی چه کسی است؟ آیا دولت‌ها اعطاکننده آزادی به شهروندان هستند یا خیر؟ در تاریخ اندیشه سیاسی درباره منشأ و منبع آزادی دودیدگاه ارائه شده است که فقط یکی از آنها مطابق دیدگاه معظم‌له است. ابتدا دیدگاه‌ها و سپس نظر مقام معظم رهبری را در این زمینه بررسی می‌کنیم:

۱. نظریه حقوق موضوعه

از این منظر، آزادی سیاسی جزو حقوق موضوعه محسوب می‌شود. مقصود از حقوق موضوعه، مجموع قواعدی است که در زمان معین بر ملتی حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود. براین اساس، منشأ آزادی سیاسی، دولت، فرهنگ، سنت و یا تاریخ است. برای مثال، افرادی چون «ساوینی» در آلمان دیدگاه فرهنگی دارند و تأکید دارند که فرهنگ خاص هر جامعه، آزادی سیاسی و حقوق انسان را تعیین می‌کند و معتقدند آزادی سیاسی و حقوق انسان محصول سنت‌های هر جامعه است. گروهی دیگر به نام اثبات‌گران حقوقی، دولت را منبع آزادی سیاسی و حقوق تلقی کرده‌اند. دیدگاه‌های دولت‌گرا، سنت‌گرا یا فرهنگ‌گرا، تاریخ‌گرا و جامعه‌گرا محدودیت‌های اساسی برای آزادی و حقوق بشر قائل شده‌اند. (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۶)

۲. نظریه سیاسی - فلسفی حقوق طبیعی (فطری)

بنابر این دیدگاه، آزادی سیاسی جزو حقوق طبیعی (فطری) محسوب می‌شود. اصطلاح «حقوق فطری» را در برابر حقوق موضوعه به کار می‌برند. «حقوق فطری» یا «حقوق طبیعی»، مجموع اصول و قوانینی است که فطرت، آنها را در عقل انسان قرار داده است؛ به تعبیر دیگر، حقوق طبیعی، حقوقی است که انسان صرف نظر از جنس، نژاد، زبان و... تنها به دلیل انسان بودن، از آن برخوردار است. درحقیقت، حقوق طبیعی مانند حق حیات، حق آزادی و حق انتخاب بدیهی‌ترین حق انسان است. این حقوق، برتر از اراده حکومت و غایت مطلوب انسان است و قانون‌گذار باید بکوشد تا آنها را بیابد و اداره اجتماع و قوانین بشری (حقوق موضوعه) را بر پایه آن قرار دهد. (همان) اما درباره اینکه منشأ خود حقوق فطری چیست، دو دیدگاه مطرح شده است:

یک. حقوق فطری بر پایه مذهب و اخلاق: منبع حقوق فطری، اراده خداوند است و هدف آن، اجرای اراده او، یعنی اقامه عدل و مهربانی است.

دو. حقوق فطری بر پایه عقل: حقوق فطری در قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی به تدریج ریشه مذهبی و الهی خود را در اروپا از دست داد. منشأ حقوق فطری در این دوره، انسان است نه خداوند. نه تنها عقل بشر در همه حال به قواعد و حقوق فطری حکم می‌کند، بلکه این حقوق لازمه شخصیت انسان و همیشه با اوست. حقوق فطری، چنان با سرنوشت آدمی آمیخته است که هیچ عاملی نمی‌تواند آن را از او جدا یا به دیگری منتقل کند. به گفته روسو: «بشر آزاد به دنیا آمده است و باید آزاد زیست کند». (همان: ۸ و ۹)

نقطه عزیمت دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره آزادی، همانند دیگر مفاهیم مبتنی بر هستی‌شناسی و جهان‌بینی توحیدی است. از نظر ایشان، ریشه همه آموزه‌ها از جمله آزادی، اصل توحید و یگانگی خداست. این اصل، هستی و جهان را آفریده خدا می‌داند و قدرتی مافوق قدرت خداوند را به رسمیت نمی‌شناسد. از این رو، مفاهیم و آموزه‌های دیگر با توجه به این اصل باید مفهوم واقعی خود را پیدا کند. آزادی نیز از این اصل استثنا نبوده و در پرتو اصل توحید، مفهوم واقعی خود را پیدا می‌کند. بر این اساس، انسان باید تنها در برابر خداوند تسلیم باشد تا از آزادی در برابر دیگران برخوردار شود. معظم‌له در این باره می‌فرماید:

اسلام... آزادی را امر فطری انسان می‌داند. بله، یک حق است، اما حقی برتر از سایر حقوق؛ مثل حق حیات، حق زندگی کردن. همچنانی که حق زندگی کردن را نمی‌شود در ردیف حق مسکن و حق انتخاب و حق چه گذاشت. برتر از این حرف‌هاست، زمینه همه اینهاست. آزادی هم همین جور است. این نظر اسلام است. البته استثناهایی وجود دارد. این حق را در مواردی می‌توان سلب کرد، مثل حق حیات. یک نفر کسی را می‌کشد، قصاصش می‌کنند. یک نفری فساد می‌کند، قصاصش می‌کنند. در مقوله حق آزادی هم این‌جوری است. منتها اینها استثناست. این دیدگاه اسلام است. (بیانات، ۱۳۷۷/۱۲/۶)

بنابراین، مقام معظم رهبری تأکید دارند اولاً، آزادی از جمله حقوق طبیعی انسان و حقوق اولیه بشری است، نه حقوق موضوعه که دولت‌ها بخواهند به شهروندان اعطا کنند. آزادی، متعلق به مردم و جزو فطرت مردم است؛ ثانیاً، منشأ آزادی خداوند است نه عقل بشری. آزادی هدیه الهی است. (بیانات، ۱۳۷۸/۱/۱) ایشان تأکید دارند که در اسلام نیز آزادی امری فطری و هم‌ردیف حق حیات و برتر از دیگر حقوق دانسته شده است.

اگر آزادی در شمار حقوق فطری و حق طبیعی انسان‌هاست و اعطای آن از سوی دولت معنا ندارد، بنابراین، چه ضرورتی دارد که دولت و قوانین اساسی آن‌را به رسمیت بشناسد؟ فرانتس نویمان چنین پاسخ می‌دهد:

از زمانی که دولت پایدار شده و وسایل الزام و اجبار به صورت نهادی به‌انحصار آن درآمده، قانون طبیعی و حقوق انفکاک‌ناپذیر طبیعی تنها به این شرط ممکن است در سیاست معنایی داشته باشند که از طرف ارگان‌های دولتی پذیرفته شده باشند؛ یعنی به شکل قانون موضوعه باشند. (نویمان، ۱۳۷۳: ۷۲؛ Rivero, 1977:1)

از ویژگی‌های قواعد حقوقی، داشتن ضمانت اجراست. قواعد حقوق فطری و از آن جمله حق آزادی، مادام که حقوق موضوعه به آنها اعتبار نبخشیده و آنها را تضمین نکرده است، از نظرگاه تکنیک سیاسی و حقوقی ناقصند؛ زیرا ضمانت اجرا ندارند. براین اساس، مقام معظم رهبری تصریح می‌کند آزادی علاوه بر اینکه خاستگاه فطری و طبیعی دارد، دادنی و اعطاکردنی نیز هست؛ به این معنا که حکومت‌ها از باب وظیفه و تکلیف باید به شهروندان

آزادی بدهند. (بیانات، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹) همچنین از دیدگاه معظم‌له، آزادی، حقی گرفتنی است؛ زیرا حقوق را باید مطالبه کرد. «آزادی گرفتنی است»، یعنی هر انسان آگاه و باشعوری در جامعه باید با حقی آزادی و حدود خودش آشنا باشد و آن را مطالبه کند و بخواهد. (همان)

آزادی سیاسی

آزادی سیاسی در اندیشه‌های مقام معظم رهبری پس از طی سه مرحله، تعریف شده است. در مرحله اول، معظم‌له تأکید دارند برای دستیابی به مفهوم آزادی، باید مستقل فکر کرد و نباید پیرو مفاهیم اقتباس شده از غرب و شرق باشیم. (بیانات، ۱۳۷۷/۶/۱۲) اگر در مفهوم آزادی، تقلید و همان مفاهیم غرب را تکرار کنیم، نتیجه تلخی در جامعه اسلامی خواهد داشت. براین اساس، معظم‌له در جستجوی مفهوم آزادی، با طرح این پرسش که «آیا آزادی دارای یک مفهوم است یا مفاهیم مختلفی دارد؟» می‌فرمایند:

هر یک از مکاتب اسلامی، غربی و شرقی دارای مفهوم جداگانه‌ای از آزادی هستند. هم غرب و هم شرق ادعا دارند که دارای آزادی هستند. غرب، آزادی فردی و شرق، آزادی جامعه (محو شدن فرد در جامعه) را ادعا دارد. اما در مقابل، اسلام نیز دیدگاه ویژه‌ای درباره آزادی دارد. (بیانات، ۱۳۶۵/۹/۱۴)

ایشان تأکید می‌کنند با توجه به طرح آزادی در انقلاب فرانسه، عده‌ای تصور می‌کنند مفهوم آزادی از غرب وارد اسلام شده است و این، فکر اشتباهی است که آزادی را از غرب هدیه گرفته‌ایم. (بیانات، ۱۳۶۵/۹/۱۴) با همین تصور غلط که آزادی از غرب وارد شده است، عده‌ای در پژوهش دچار اشتباه دیگری شده‌اند و همیشه در مفاهیم آزادی، به منابع غربی چون «کانت»، «جان استوارت میل» و دیگران ارجاع می‌دهند و این اشتباه بزرگی است. آزادی دارای ریشه اسلامی است و هیچ لزومی ندارد برای تبیین مفهوم آزادی به غرب مراجعه شود. (بیانات، ۱۳۷۷/۶/۱۲)

بنابراین، معظم‌له برای جستجوی مفهوم آزادی سیاسی، در مرحله اول تأکید دارند که در مکتب اسلام، غرب و شرق دارای مفهوم جداگانه‌اند و خود مفهوم آزادی نیز در اسلام از

غرب و شرق اقتباس نشده است و باید مستقل فکر کرد. ایشان در مرحله دوم براساس دیدگاه توحیدی که خالق و آفریننده همه انسان‌ها خداست و مالک و قادر اوست، تعریف ویژه‌ای از آزادی اسلامی ارائه می‌دهند و بیان می‌کنند که آزادی اسلامی به معنای آزادی از غیرخداست؛ زیرا سرور و مولای همه فقط خدای متعال است و نباید کسی اسیر و برده شخص دیگری شود. دعوت همه انبیا اطاعت از خدا و اجتناب از کسانی است که می‌خواهند انسان را اسیر و برده کنند.

ریشه آزادی در فرهنگ اسلامی، جهان‌بینی توحیدی است... تمام پیغمبران اولین حرفشان عبارت بوده از اینکه از خدا اطاعت کنید و از طاغوت، از کسانی که غیرخدا هستند و می‌خواهند انسان را اسیر کنند و برده کنند، اجتناب کنید. (بیانات، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹)

با توجه به نگاه توحیدی که معظم‌له به انسان دارند، آزادی حقیقی و کامل را به معنای آزادی انسان از غیر دانسته‌اند. آزادی، یعنی رهاشدن از قید و بند طاغوت‌ها و امکان حرکت و پرواز به سوی سرمنزل انسانیت که تعالی معنوی و الهی است. (بیانات، ۱۳۶۱/۹/۱۲) ایشان مفهوم آزادی را دواى درد ملت‌ها دانسته‌اند؛ اینکه ملت‌ها اسیر هوا و هوس و ترس از قدرت‌های ظالم و ستمگر نباشند و این نسخه‌ای است که برای تمام ملت‌های علی‌السواء قابل اجراست و دواى درد همه ملت‌هاست. یعنی آزادی درونی، آزادی معنوی، آزادی از زنجیرهایی که بازدارنده انسان از حرکت هستند. (بیانات، ۱۳۶۵/۱۰/۵)

مقام معظم رهبری، همان‌گونه که مفهوم آزادی اسلامی را از آزادی غرب و شرق جدا می‌سازند، فلسفه آزادی در اسلام را نیز از غرب و شرق جدا می‌دانند. (بیانات، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹) از منظر ایشان، فلسفه آزادی در غرب، تمایلات انسانی است، چه این تمایلات، منطقی باشد و چه غیرمنطقی؛ بدین معنا که انسان هرچه را خواست باید بتواند انجام دهد. هرچند که در غرب، اعتقاد بر آن است که آزادی با قانون محدود می‌شود، ولی این قانون هم نتیجه تمایلات انسان است. (بیانات، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹)

معظم‌له با توجه به دیدگاه توحیدی و معرفت‌شناسی درباره انسان، فلسفه آزادی اسلامی را

همانند حق حیات، مقدمه‌ای برای کمال و عبودیت می‌داند:

آزادی به‌او داده شده به‌خاطر پیمودن راه کمال. همین آزادی با این ارزش برای تکامل است؛ کما اینکه خود حیات انسان برای تکامل است. (همان)

انسان در جهان‌بینی اسلامی، موجودی است که استعدادهای فراوانی دارد و می‌تواند در مراتب علم و معنویت تا بی‌نهایت پیش رود و این در صورتی است که انسان خدا را عبادت و اطاعت کند؛ در غیر این صورت، همه راه‌ها بر او بسته است. با توجه به مفهوم آزادی (آزادی از غیر، آزادی از اسارت طاغوت) و استعدادهای فراوان انسان، انسان می‌تواند تا بی‌نهایت پیش رود و از فرشتگان هم برتر شود. (همان)

آزادی، از جهات و ابعاد مختلفی بررسی می‌شود که گاه خلط این ابعاد با معنای سیاسی آزادی، اشتباهاتی در اندیشمندان به‌وجود آورده است. براین اساس، آیت‌الله خامنه‌ای پس از این دو مرحله، در مرحله سوم با نگاهی به انواع آزادی، به دنبال تعریف آزادی سیاسی است؛ آنچه معظم‌له در مرحله سوم تأکید دارند، آن است که مبدا آزادی سیاسی را با انواع دیگر آزادی، یکسان بدانیم. نگاهی به انواع آزادی در تاریخ اندیشه، می‌تواند ما را به نکاتی واقف سازد که معظم‌له درباره تفاوت آزادی سیاسی اشاره دارند. در یک تقسیم‌بندی می‌توان انواع چهارگانه‌ای را برای آزادی مطرح کرد:

۱. آزادی فلسفی: آزادی اراده، اینکه آیا انسان موجودی است مختار یا مجبور؟ به تعبیر دیگر، آیا فاعل و به‌وجودآورنده اعمال انسان خود او می‌باشد یا خدا، بحث‌های فراوانی از صدر اسلام تاکنون شده که در فلسفه و کلام اسلامی با عنوان مسئله جبر و تفویض مطرح شده است. (شهرستانی، ۱۳۶۲: ۱۱۰)

۲. آزادی اخلاقی: آزادی اخلاقی به معنای رهایی عقل از سلطه غرایز و شهوات یا به معنای آزادمندی و داشتن اخلاق آزادمردان است. این شق آزادی، در مکاتب اخلاقی بررسی شده است.

۳. آزادی عرفانی: این آزادی به معنای وارستگی از هر چیزی جز خدای متعال است. این قسم از آزادی نیز مانند دو قسم دیگر، خارج از محدوده سیاسی است؛ زیرا کاملاً جنبه فردی

و شخصی دارد و با آزادی سیاسی که مربوط به روابط اجتماعی است، متفاوت است. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۰: ۱۱)

۴. آزادی حقوقی (قانونی) یا تجویزی: در این تقسیم‌بندی، آزادی سیاسی درون آزادی حقوق مدنی و در مقابل آزادی فلسفی قرار می‌گیرد. (همان) با توجه به ابعاد مختلف آزادی، آیت‌الله خامنه‌ای می‌گویند:

آزادی یک معنای وسیعی را شامل می‌شود؛ هم شامل آزادی از اسارت است، هم شامل آزادی از اخلاق است. چون اخلاق هم یک قید و بندی است... (و) آزادی سیاسی. (بیانات، ۱۳۷۶/۷/۳۰)

در میان این معانی، آزادی سیاسی به معنای نقش و مشارکت مردم در نظام سیاسی است. (بیانات، ۱۳۶۶/۳/۲۲) نقش افراد، هم در تشکیل حکومت و هم در استمرار حکومت قابل بررسی است؛ زیرا در اسلام بدون خواست مردم، نه حکومتی تشکیل می‌شود و نه استمرار می‌یابد. (بیانات، ۱۳۷۶/۱۱/۱۵)

ایشان تأکید دارند که منظور از آزادی اسلامی (آزادی از غیرخدا)، آزادی معنوی و اخلاقی نیست، بلکه مراد آزادی سیاسی است و در روایات بر همین معنای سیاسی (آزادی عقیده، آزادی بیان، حق انتخاب و...) تأکید شده است:

مسئله آزادی یکی از مقولاتی است که در قرآن کریم، در کلمات ائمه علیهم‌السلام به‌طور مؤکد و مکرر روی آن تأکید شده است. البته بحث آزادی‌ای که اینجا می‌کنیم، تعبیر آزادی که اینجا می‌کنیم، مرادمان آزادی مطلق نیست — که هیچ طرفداری در دنیا ندارد؛ فکر نمی‌کنم کسی در دنیا باشد که به آزادی مطلق دعوت بکند — مرادمان آزادی معنوی هم که در اسلام و به خصوص در سطح راقی معارف اسلامی هست، آن هم نیست. او محل بحث نیست. آزادی معنوی چیزی است که کسانی که معتقد به معنویاتند، همه آن را قبول دارند. محل رد و قبول نیست. منظور از آزادی که اینجا بحث می‌کنیم، آزادی اجتماعی است. آزادی به‌مثابه یک حق انسانی برای اندیشیدن، گفتن، انتخاب کردن، و از این قبیل؛ منظور این است. همین مقوله در کتاب و سنت مورد تجلیل قرار گرفته است. (بیانات، ۱۳۷۷/۶/۱۲)

بنابراین، آیت‌الله خامنه‌ای در سه مرحله، تعریفی از آزادی سیاسی ارائه می‌دهند. ایشان پس از تعریف آزادی سیاسی، در بیانات و سخنرانی‌های متعدد، شاخص‌های آزادی سیاسی یعنی آزادی بیان، مطبوعات، احزاب و انتخابات را بررسی می‌کنند که در ادامه به آن می‌پردازیم:

یک. آزادی بیان

مقام معظم رهبری با توجه به مبانی معرفت‌شناختی خویش، معتقد است آزادی بیان، ریشه در اسلام داشته (بیانات، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹) و در صدر اسلام نیز آزادی بیان وجود داشته است. براین اساس، به مسلمانان دستور داده شده که حتی با کسانی که از لحاظ عقیده برخلاف شما هستند، به خوبی رفتار کنید.

در اسلام به مسلمانان دستور داده شده است که حتی کسانی که از لحاظ دین و عقیده برخلاف شما هستند، با آنها هم شما خوبی کنید ... این منطق اسلام است. (بیانات، ۱۳۷۵/۷/۱۸)

از منظر معظم‌له، در حکومت ولایی، آزادی بیان تا آنجا مطرح است که یک فرد عادی، قدرت مطالبه از بالاترین مقام، یعنی رهبری را دارد. آزادی در حکومت ولایی این‌گونه است. اگر این نوع آزادی وجود داشته باشد، عدالت برقرار شده است. ممکن است این نوع آزادی برای عده‌ای بعید باشد، ولی این شدنی است. براین اساس تأکید دارند:

نشانه‌های بروز عدالت در یک جامعه، آنجایی است که یک فرد از طبقات هرچند پایین اجتماع، در صورتی که بر او ظلمی روا شود یا حقی ضایع شود، بتواند جلوی ولیّ امر مسلمین و عالی‌ترین فرد مملکت بایستد و احقاق حق کند، بدون اینکه صدایش بلرزد. عده‌ای این را عملی نمی‌دانند. ما احساسمان این است که اینها احتمالاً اعتماد کافی به ولایت و فضای ولایی ندارند؛ وگرنه در فضای ولایی و تحت زعامت ولایت فقیه، این عملی است. عده‌ای بحث عدالت‌خواهی را مقابل آزادی‌خواهی می‌دانند؛ اما آزادی‌خواهی هم در عدالت‌خواهی است. اگر عدالت در جامعه‌ای نهادینه شود، حقوق افراد و آزادی‌ها پاس داشته خواهد شد. (بیانات، ۱۳۸۱/۹/۷)

رهبر فرزانه انقلاب، با توجه به شرایط ویژه‌ای که در جامعه حاکم بود و اینکه عده‌ای با بهانه دفاع از دین به دانشگاه‌ها حمله کردند، نگرانی خویش را اظهار کرده و با محکوم کردن آن، بیان می‌کند این گونه رفتار، باعث خوشحالی دشمن می‌شود. (بیانات، ۷۸/۴/۲۱) البته اگر آزادی بیان در دانشگاه‌ها، وسیله‌ای برای انتقال افکار غلط باشد و یا محیط به گونه‌ای به امور دینی بی‌تفاوت شود، پذیرفتنی نیست و با آن برخورد می‌شود. (بیانات، ۱۳۷۲/۱۰/۱ و ۱۳۷۹/۹/۱۹)

دو. آزادی مطبوعات

آیت‌الله خامنه‌ای، آزادی مطبوعات را حق مسلم مردم و مطبوعات می‌دانند (بیانات، ۱۳۷۸/۲/۲۸) و معتقدند مطبوعات آزاد در جامعه، یکی از نشانه‌های رشد ملت است و رشد، بالندگی و آزادگی را به‌ارمغان می‌آورد.

معتقدم اگر در جامعه، جامعه‌ای مطبوعات آزاد را، مطبوعات دارای رشد را، قلم‌های آزاد و فهمیده را از دست بدهد، یکجا خیلی چیزهای دیگر را هم از دست خواهد داد. وجود مطبوعات آزاد یکی از نشانه‌های رشد یک ملت و حقیقتاً خودش هم مایه رشد است؛ یعنی رشد و آزادگی یک ملت، آن را به وجود می‌آورد، او هم به نوبه خود می‌تواند رشد یک ملت را افزایش بدهد. (بیانات، ۷۹/۹/۱۲)

ایشان با تأکید بر اینکه مطبوعات برای نظام جمهوری اسلامی، شکل تجملی و تشریفاتی ندارد، بیان می‌کنند:

مطبوعات در کشور ایران، در نظام جمهوری اسلامی، کجای کارند؟ کی هستند؟ چی هستند؟ ... ما معتقدیم که مطبوعات برای نظام جمهوری اسلامی یک چیز تجملاتی و تشریفاتی نیست. (بیانات، ۱۳۷۵/۲/۱۳)

براین اساس، معظم‌له با توجه به اهمیت آزادی مطبوعات، چهار وظیفه مهم را برای مطبوعات آزاد بیان می‌کند:

الف) نقد و نظارت

آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه هیچ‌کس حتی رهبری فوق نظارت نیست، نظارت بر

حاکمان را امری ضروری دانسته و بیان می‌کنند همه دستگاه‌ها باید خود را در معرض نقد قرار دهند. همه مشمول این قاعده کلی نقد، اصلاح و پاسخ‌گویی هستند.

من عرض می‌کنم، هیچ‌کس فوق نظارت نیست. خود رهبری هم فوق نظارت نیست؛ چه برسد به دستگاه‌های مرتبط با رهبری. بنابراین، همه باید نظارت شوند. نظارت بر کسانی که حکومت می‌کنند - چون حکومت به‌طور طبیعی به معنای تجمع قدرت و ثروت است؛ یعنی اموال بیت‌المال و اقتدار اجتماعی و اقتدار سیاسی در دست بخشی از حکام است - برای اینکه امانت به‌خرج دهند و سوءاستفاده نکنند و نفسشان طغیان نکند، یک کار لازم و واجب است و باید هم باشد. (بیانات، ۱۳۷۹/۱۲/۹)

یکی از بخش‌های نظارتی از نظر معظم‌له مطبوعات است. از منظر ایشان، مطبوعات باید در نظارت بر عملکرد نهادهای دولتی و انتقاد از مسئولان حکومت آزاد باشند. (همان) البته باید دقت داشت که انتقادات به‌گونه‌ای باشد که کارهای دولت را مختل نکنند و یا مانع اقدامات دولت در زمینه اقتصادی نشوند. از این‌رو، ایشان تأکید می‌کنند:

مخالف دولت به معنای اینکه منتقد به دولت باشد هیچ اشکالی ندارد ... ما این را مضر نمی‌دانیم؛ مشروط بر اینکه مزاحم و مختل‌کننده کارهای دولت نباشند که هی مسئله برایش درست کنند و نگذارند که دولت کاری که دارد در سازندگی جامعه می‌کند، در مسایل اقتصادی، در مسایل گوناگون کشور نتواند آن کارش را انجام بدهد و مانعی در راهش ایجاد نکنند؛ اما به‌عنوان منتقد و به معنای منتقد اشکال ندارد. (همان)

ب) اطلاع‌رسانی صادقانه و شفاف؛ هدایت جامعه

مقام معظم رهبری دومین وظیفه مطبوعات آزاد را اطلاع‌رسانی صادقانه و شفاف می‌داند؛ زیرا بینش و تفکر صحیح، تنها از طریق ارائه شناخته می‌شود. منتها این اطلاع‌رسانی باید صادقانه و شفاف باشد. (همان)

ج) هدایت جامعه: دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌ها

از منظر معظم‌له، اطلاع‌رسانی صادقانه و شفاف به هدایت افکار جامعه منجر

می‌شود (بیانات، ۱۳۶۸/۴/۲۳) و مهم‌ترین وظیفه مطبوعات، همین دفاع از ارزش‌هاست.

مهم‌ترین وظیفه مطبوعات در نظام اسلامی، نقش فرهنگی آنان در معرفی و دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌های مورد قبول این امت انقلابی و بالا بردن سطح آگاهی و معرفت آنان است. (بیانات، ۱۳۷۵/۲/۱۳)

د) تبادل آرا و افکار گوناگون

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، چهارمین وظیفه مطبوعات آزاد، طرح افکار و آرای مختلف در جامعه است. البته طرح آرای مختلف باید همراه شرایطی باشد، از جمله اینکه نباید به بلندگوی دشمن مبدل شود و نیز با تحریف حقایق و یا کذب و دروغ همراه نباشد. (بیانات، ۱۳۷۸/۱۰)

هرچند طرح افکار گوناگون و آرای مختلف، همراه این ویژگی‌ها سخت است، اما هنر بزرگ این است که مطبوعات، هم آزاد باشند و هم ارزش‌های دیگر را حفظ کنند.

هنر بزرگ این است که کسی بتواند هم آزادی را حفظ کند، هم حقیقت را درک کند، هم مطبوعات آزاد داشته باشد، هم آن آسیب‌ها دامنش را نگیرد. باید این‌گونه مشی کرد. (بیانات، ۱۳۷۹/۱۲/۹)

سه. آزادی احزاب

در بینش سیاسی مقام معظم رهبری، برخلاف اندیشه‌هایی که مخالف وجود حزب هستند، اصل تحزب مورد پذیرش قرار گرفته است و از جامعه تک‌صدایی پرهیز شده است. براین اساس، وجود احزاب و گروه‌های اجتماعی مختلف در جامعه، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه لازم و ضروری است.

حزب یعنی همین انسجام، که در هر جامعه‌ای لازم است و جهت‌گیری منظم و خوب حزب است که ضامن تداوم یک حرکت اجتماعی است؛ بنابراین، اسلام این را می‌پسندد و قبول می‌کند. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۱۱)

ایشان در مورد اصل تحزب تأکید می‌کنند که:

این را باید تذکر بدهیم که ما گفتیم حزبی به نام «حزب مستضعفان» در همه

دنیا، معنایش این نبود که حزب‌های صحیحی که در ایران است، نباشد. حزب‌های منطقه‌ای علی‌حده است و حزب تمام مناطق و تمام جاها، یک حزب دیگر است. اگر ان‌شاءالله مسلمین موفق بشوند و یک همچون حزبی که مستضعفین است، برای همه جاها یک همچون حزبی را تأسیس کنند، بسیار به‌موقع است. لکن به‌معنای این نیست که در محل و در منطقه‌ها حزب نباشد. (بیانات، ۱۳۶۷/۱۰/۲۲)

بنابراین، در منظر معظم‌له اصل تحزب پذیرفتنی است؛ به‌همین دلیل، احزاب و گروه‌های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران آزاد هستند و در چارچوب قانون اجازه فعالیت دارند.

آزادی احزاب سیاسی، مضمون قانون اساسی است. هدف، عمل کردن به‌قانون اساسی است. قانون اساسی اجازه داده به افراد ملت که جمعیت‌ها و گروه‌ها و احزابی را در چارچوب‌های قانونی البته به‌وجود بیاورند و شکی نیست که ما باید این امکان را بدهیم. حالا که خوشبختانه وزارت کشور افتاده توی این فکر که این کار را انجام بدهد. خیلی قبل از اینها باید این کار انجام می‌گرفت. (همان)

به‌طور کلی، آزادی سیاسی، زمانی تحقق می‌یابد که شهروندان اجازه تشکیل حزب و اجتماعات سیاسی را داشته باشند.

وقتی گفته می‌شود که در جامعه اسلامی، مردم آزادی‌های سیاسی دارند، این بدین معناست که هم حق انتخاب را در اموری که اشاره شد دارا هستند و هم حق فعالیت سیاسی، انتشار مطبوعات و روزنامه‌ها، ایجاد تشکله‌ها و سازمان‌ها و احزاب، ایجاد اجتماعات سیاسی، بیان افکار و نظرات سیاسی و خلاصه، انتخاب راه خود، راه سیاسی خود در جامعه را دارا هستند. (بیانات، ۱۳۶۶/۴/۱۲)

در منظر آیت‌الله خامنه‌ای، همه احزاب سیاسی در چارچوب قانون اجازه فعالیت دارند. از این‌رو، ایشان گروه‌های سیاسی که فعالیت‌های سیاسی را منحصر به‌خود دانسته و اجازه فعالیت به احزاب و گروه‌های سیاسی دیگر را نمی‌دهند سرزنش و بیان می‌کنند:

همه گروه‌ها، همه احزاب، همه دسته‌جات، همه افراد، همه چهره‌ها و شخصیت‌ها باید بدانند که فقط خود آنها نیستند که حق حیات و حق گفتن و

حق اظهار عقیده کردن دارند، این حق متعلق به همه است؛ متعلق به عموم ملت است و همه می‌توانند از آن استفاده کنند. (بیانات، ۱۳۵۸/۱۱/۱۷)

برخی نویسندگان، ملاک سنجش خوبی و بدی حزب از دیدگاه معظم‌له را به دو دوره تقسیم کرده‌اند: دوره اول، مربوط به اوایل انقلاب و سال ۱۳۵۸ است که مقام معظم رهبری به همراه شخصیت‌هایی مانند شهید بهشتی و هاشمی رفسنجانی، حزب جمهوری اسلامی را تشکیل دادند. در این دوره، رویکرد آیت‌الله خامنه‌ای به تشکیل حزب، مثبت بوده و موافق این‌گونه احزاب بوده‌اند. دوره دوم، مربوط به بعد از انحلال حزب جمهوری اسلامی به‌ویژه در دهه ۱۳۸۰ - ۱۳۷۰ است که دیدگاه‌های ایشان در برابر تحزب به شدت انتقادآمیز بوده و دارای رویکرد موافقت مشروط با تحزب می‌باشد. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۱۴ - ۱۰۹) اما به نظر نویسنده مقاله، دیدگاه مقام معظم رهبری به دلیل تغییر سال‌ها نبوده، بلکه به دلیل اهداف حزب بوده است؛ به عبارت دیگر، معظم‌له ملاک سنجش خوبی و بدی حزب را هدف حزب می‌داند و احزاب سیاسی را به دو دسته تقسیم می‌کنند؛ (بیانات، ۱۳۷۷/۱۲/۴) دسته اول مربوط به احزابی است که هدفشان کسب قدرت است. اگرچه کسب قدرت برای احزاب، امری قهری است، یعنی افراد حزب نمی‌توانند به انتخابات ریاست جمهوری و ... بی تفاوت باشند و پس از پیروزی فرد منتخب، احزاب حامی، قدرتمند می‌شوند. اما نباید هدف حزب، کسب قدرت باشد. از معایب این دسته احزاب به دنبال قدرت، آن است که دارای اعضای مصلحتی است نه اعضای فکری؛ بدین معنا که فرد از حزب حمایت می‌کند تا یک امتیاز بگیرد. به عنوان مثال فلان روحانی برای حزب رأی جمع می‌کند تا به مسجد او امتیاز دهند. طرفداران این احزاب، نه تفکر حاکم بر این احزاب را می‌شناسند و نه مؤسسان احزاب را. همچنین طرفداران، نه با کاندیداهای احزاب آشنایی دارند و نه اطلاعی از اقدامات آنها دارند. این دسته احزاب، هرچند در جمهوری اسلامی ایران آزادند، مورد تأیید معظم‌له نیستند؛ به همین دلیل، معظم‌له احزابی را سرزنش می‌کنند که از طریق انتساب به ایشان درصدد کسب قدرت در جامعه هستند. ایشان می‌فرمایند:

بعضی خودشان که کشمکش می‌کنند هیچ، سعی می‌کنند که رهبری و دستگاه‌های نظام را هم وانمود کنند که در دعوای جناحی و خطی اینها

واردند؛ این مطلب درست نیست. بنده حزب و شخصیت نمی‌شناسم؛ بنده این را می‌شناسم که کسی که می‌آید به مجلس، باید باتقوا باشد؛ اولین شرط تقواست؛ «انّ اکر مکم عندالله اتقاکم». دیگر اینکه، باید طرفدار محرومین باشد. (بیانات، ۱۳۸۲/۱۰/۱۸)

دسته دوم از احزابی که آیت‌الله خامنه‌ای مطرح و تأیید می‌کنند، احزابی است که به‌عنوان یک اندیشه و فکر، به‌دنبال هدایت افکار جامعه باشند و درصدد آن هستند که تفکر مورد قبول خودشان را به مردم برسانند؛ چنانچه «حزب جمهوری اسلامی» بر این اساس تشکیل شده بود. (بیانات، ۱۳۷۷/۱۲/۴)

چهار. آزادی انتخابات

از منظر معظم‌له، مهم‌ترین مصداق آزادی، آزادی انتخابات است. (بیانات، ۱۳۸۲/۱/۱۹) این آزادی، زمانی تحقق می‌یابد که انتخابات همراه ویژگی‌هایی باشد:

الف) حضور همگانی مردم

از آنجا که نظام جمهوری اسلامی ایران بر آرای مردمی متکی است و نظام بدون حمایت و رأی مردم، در حقیقت هیچ است، از منظر معظم‌له، نفس حضور مردم در انتخابات اهمیت دارد و این حضور همگانی در انتخابات، هم حق مردم و هم تکلیفی بر دوش مردم است. بر این اساس، ایشان تأکید می‌کنند:

حضور مردم و اعتقاد به آنها باید در اینجا خود را نشان دهد؛ یعنی در قانون اساسی ما و در تعالیم و راهنمایی‌های امام، همیشه بر این نکته تأکید شده است که نظام بدون حمایت و رأی و خواست مردم، در حقیقت هیچ است. باید با اتکا به رأی مردم، کسی بر سر کار بیاید. باید با اتکا به اراده مردم، نظام حرکت کند. انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات خبرگان، انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات دیگر، مظاهر حضور رأی و اراده و خواست مردم است. این یکی از عرصه‌هاست. لذا امام بزرگوار، هم در دوران حیات خود به‌شدت به این عنصر در این عرصه پایبند باقی ماند و هم در وصیت‌نامه خود آن را منعکس و به مردم و مسئولان توصیه کرد. در حقیقت، انتخابات و حضور مردم در صحنه

انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس و یا سایر انتخاب‌هایی که می‌کنند، هم حق مردم است، هم تکلیفی بر دوش آنهاست. در نظام اسلامی، مردم تعیین‌کننده‌اند. (بیانات، ۱۳۷۶/۲/۱۳)

ب) آزادی در امر انتخاب؛ انتخاب آگاهانه

دومین ویژگی انتخابات آزاد آن است که حضور مردم و کاندیداها در انتخابات باید آزادانه و آگاهانه باشد.

آزادی انتخابات معنایش این است که هرکسی بتواند آزادانه خودش را مطرح کند و در معرض اطلاع مردمی که می‌خواهند او را انتخاب بکنند، بگذارد و مردم هم هرکسی را که خودشان می‌فهمند، می‌پسندند، آزادانه بتوانند انتخاب کنند و کسی زوری، اجباری نسبت به آنها نداشته باشد. (بیانات، ۱۳۶۳/۱/۷)

با تحقق این هدف، نظام اسلامی می‌تواند مطمئن باشد که در جهت آرزوها و هدف‌های خود در حرکت است. از سوی دیگر، مردم و احزاب نیز باید در انتخابات احساس آزادی انتخاب داشته باشند. (بیانات، ۱۳۷۱/۱/۱۵)

ج) فضای انتخابات سالم باشد

در نگاه معظم‌له انتخابات آزاد به معنای آزادگی و رشد ملت است. براین اساس، زمانی انتخابات از رأی واقعی مردم حکایت دارد که فضای انتخابات سالم باشد. از این رو، ایشان تأکید می‌کنند:

آنچه در انتخابات، از نظر شما برادران عزیز و زحمتکش مهم است، در درجه اول، سلامت انتخابات است. انتخابات باید به معنای واقعی کلمه، نمایشگر رأی مردم باشد. این به معنای آن نیست که ما فقط از تقلب کردن کسانی که ممکن است بخواهند چنین کاری بکنند، جلوگیری بکنیم - آنکه به جای خود محفوظ و معلوم است و شأن مأموران جمهوری اسلامی، اجل از این حرف‌هاست - بلکه بالاتر از این، فضای انتخابات، باید فضای سالمی باشد؛ فضای تبلیغات، باید با فضای پروپاگاندهای معمول دنیا تفاوت داشته باشد. (بیانات، ۱۳۷۰/۹/۲۷)

د) انتخابات در انحصار حزب و گروه خاصی نباشد

آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان سیره حضرت امام‌خمينی تأکید دارند که انتخابات نباید در انحصار حزب و گروه خاصی باشد و مسئولان و دست‌اندرکاران انتخابات نباید از حزب و جناحی طرفداری کنند. اگر چنین انتخابات آزادی داشته باشیم، باعث دلگرمی مردم می‌شود. (همان)

ه) برابری حق رأی

از ویژگی‌های انتخابات آزاد در نظر معظم‌له، برابری حق رأی است؛ بدین معنا که همه دارای رأی یکسان باشند و بین زن و مرد، جوان و پیر و مذهب‌های مختلف تفاوتی نباشد.

مهم اینکه در این حق، یعنی حق رأی دادن، حق انتخاب کردن یعنی آزادی سیاسی در بزرگ‌ترین و مؤثرترین شکلش هیچ محدودیتی نیست. زن‌ها هم همین جور رأی می‌دادند و رأی می‌دهند و صاحب سهمی در این آزادی عمومی هستند. جوانان هم همین‌طور، حتی نوجوانان هم اگر به‌حد بلوغ رسیدند همین‌طور. نژادهای مختلف تفاوتی ندارند. مذهب‌های مختلف تفاوتی ندارند. (بیانات، ۱۳۶۶/۳/۲۲)

محدوده‌های آزادی سیاسی

حقوق و حدود ملازم یکدیگرند؛ هر جا حقی هست، حدی هست و هر جا حقی داده می‌شود تکلیفی هم بار می‌شود. اگر حقوق این‌گونه لحاظ نشود و یک‌سویه و یک‌جانبه مطرح گردد، بروز تباهی‌های اخلاقی و ناهنجاری‌های رفتاری، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. هنگامی که افرادی از آزادی خود بهره‌مند شوند و در عین حال، قیدهای اخلاقی توجیه‌کننده آن‌را فراموش کنند، تضاد میان آزادی و نظم ظهور می‌کند. به‌گفته «بوردو»، در این وضعیت، خودمختاری فرد به‌خودفرمانی اقویا تبدیل می‌شود. از این پس، خودمختاری فردی، بر پایه امکانات موجود فرد برای تحمیل اراده خویش سنجیده شده و بدین‌گونه با رهایی ضابطه‌های اخلاقی به خدمت توجیه خودپرستی زورمندان و تشویق و رذالت تردستان درمی‌آید. (بوردو، ۱۳۷۸: ۵۰) به این ترتیب، آزادی که متعلق به همه انسان‌هاست، در عمل، برای عده خاصی امتیاز محسوب می‌شود. آزادی، زورمند را بر ناتوان و توانگر را بر تهیدست

مسلط کرده و خود به ابزار سرکوب تبدیل می‌شود و قانون نیز موانع کار را برطرف می‌کند. براین اساس، مقام معظم رهبری در کنار طرح فطری و طبیعی بودن آزادی و تأکید بر آزادی سیاسی، این پرسش را مطرح می‌کنند که گستره آزادی تا کجاست؟ آیا آزادی، همه عرصه‌ها را دربرمی‌گیرد یا دارای حدی است؟ (بیانات، ۱۳۶۵/۱۰/۵) معظم‌له در پاسخ تصریح می‌کنند از آنجا که آزادی، مقدمه‌ای برای رسیدن به کمال است، (بیانات، ۱۳۷۷/۶/۱۲) از این رو، آزادی و تکلیف دو روی یک سکه هستند و آزادی در اسلام همواره با تکلیف همراه است. آزادی بدون تکلیف مربوط به جوامع غربی است که هر نوع ایدئولوژی که در آن باید و نبایدی باشد، نفی می‌کنند.

در غرب تا جایی پیش رفتند، در نفی تکلیف که حتی نه تفکر دینی را، حتی تفکرات غیردینی را - کل ایدئولوژی‌ها را که در آنها تکلیف هست؛ واجب و حرام هست؛ باید و نباید هست - اینها را نفی می‌کنند. الان تو آثار اخیر همین لیبرال‌نویس‌ها؛ لیبرالیسم‌های آمریکایی و شبه آمریکایی و کسانی که پیغمبرشان آنها هستند. امت‌های آنها در کشورهای دیگر از جمله متأسفانه بعضی‌ها در کشور خود ما دنبال همین هستند که آقا تفکر آزاد غربی با اصل باید و نباید، با اصل ایدئولوژی مخالف است. خب، اسلام به کلی نقطه مقابل این است. اسلام آزادی را همراه با تکلیف برای انسان دانسته که انسان بتواند با این آزادی، تکالیف را صحیح انجام بدهد، کارهای بزرگ را انجام بدهد، انتخاب‌های بزرگ را بکند و بتواند به تکامل برسد. اینهاست. (همان)

معظم‌له تأکید دارند آزادی در اسلام باید دارای محدوده باشد و این محدوده‌ها باید آموزش داده شود تا به صورت فرهنگ و آداب درآید. «آزادی آموختنی است؛ یعنی آزادی آداب و فرهنگی دارد که باید آن را آموخت»؛ (بیانات، ۷۹/۱۲/۹) زیرا بدون فرهنگ و ادب آزادی، نعمت بزرگ آزادی به استبداد و دیکتاتوری و یا هرج و مرج گرایش پیدا می‌کند؛ در این صورت است که همه تشنه فردی دیکتاتور می‌شوند.

از نظر اسلام، این برای یک جامعه فاجعه است. آزادی که از دست برود، فاجعه است. از نظر اسلام، هر نوع استبداد و دیکتاتوری - چه دیکتاتوری فردی، چه

دیکتاتوری دسته‌جمعی؛ دیکتاتوری دسته‌جمعی هم مثل دیکتاتوری فردی است، فرقی نمی‌کند؛ دیکتاتوری حزبی هم مثل دیکتاتوری فردی است؛ گاهی بدتر هم هست - و اینکه یک نفر بخواهد با رأی برخاسته از نفسانیات خودش سرنوشت مردم را به‌دست بگیرد، مردود است. (همان)

آیت‌الله خامنه‌ای، طرفداران آزادی بدون محدوده را دشمنان آزادی می‌دانند و تصریح می‌کنند:

اینها دشمنان آزادی‌اند. آزادی را نباید بدنام کرد ... کسانی که نام آزادی را می‌آورند، ولی به فرهنگ آزادی مطلقاً پایبند و متعهد نیستند، به آزادی ضربه می‌زنند. اینها طرفدار آزادی نیستند؛ اینها به آزادی خیانت می‌کنند. (همان)

اکنون که آزادی باید دارای محدوده‌هایی باشد، مقام معظم رهبری مرزهای آزادی را بیان می‌کنند که عبارتند از:

۱. آزادی در چارچوب قوانین اسلامی

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، ترکیب دوازده بنیادین «اسلامیت و جمهوریت» به‌عنوان دال مرکزی، مبنای فکری آزادی سیاسی است؛ هرچند ارزش عبارت است از «اندیشه و تصورات از آنچه یک فرهنگ خاص به‌عنوان خوب یا بد، توجه دارد». (William, 1996: 61) منظور از «ارزش» در آزادی سیاسی، ارزش‌های اساسی^۱ است؛ ارزش‌های اساسی، خطوط قرمز زندگی ما را تشکیل می‌دهند. این ارزش‌ها، اصول و باورهای هدایت‌گر نظام سیاسی هستند و به‌عنوان خطوط قرمز، عام و فراگیر می‌باشند و مستقل از زمان و مکانند. یعنی با ماهیت و جوهره نظام سیاسی حاکم در ارتباطند؛ به‌گونه‌ای که کوچک‌ترین تعرض به آنها را نمی‌توان نادیده گرفت و تحمل کرد و توقع آن است که همگان از آنها تمکین و تبعیت نمایند. (افتخاری، ۱۳۸۰: ۱۲۰) براین اساس، از میان ارزش‌های مختلف، دو مؤلفه جمهوریت و اسلام به‌عنوان ارزش‌های اساسی قابل طرح است. (امام‌خمينی، ۱۳۸۵: ۴ / ۲۴۰ و ۴۴۴؛ ۵ / ۱۴۴، ۱۷۰ و ۲۰۴؛ بیانات، ۱۳۸۲/۱/۱۹، ۱۳۷۶/۱/۱۵، ۱۳۷۷/۴/۱۲) ولی باید توجه داشت که

1. Core Values.

ترکیب جمهوریت و اسلامیت، ترکیب انضمامی نیست؛ بلکه یک‌هویت است؛ (بیانات، ۱۳۸۰/۱۲/۲۳) یعنی جمهوریت همانند کشورهای غربی بالاصاله اعتبار ندارد و مردم‌سالاری دینی، دمکراسی غربی نیست که فقط آرای مردم اهمیت داشته باشد. (بیانات، ۱۳۷۹/۱۰/۱۳) به‌دیگر سخن، در اندیشه سیاسی معظم‌له، جمهوریت و اتکا به آرای مردم در نظام اسلامی، امر مقدسی است. علت آن نه به‌دلیل فلسفه لیبرالیسم است که جمهوریت بالاصاله دارای اعتبار و ارزش است و در این صورت جمهوریت و اسلامیت یک‌مرکب انضمامی می‌شوند، بلکه به‌این دلیل که جمهوریت و اسلامیت، یک‌هویت است؛ یعنی خداوند مردم را آزاد آفریده است. (بیانات، ۱۳۸۲/۱/۱۹)

بنابراین از منظر معظم‌له، اولاً، جمهوریت و اتکا به آرای مردم، چنان دارای اهمیت است که طرح آزادی بدون رأی و خواست مردم را بی‌ارزش می‌داند. (بیانات، ۱۳۷۸/۳/۱۴) حتی حکومت اسلامی در نزد ایشان بدون خواست مردم، نمی‌تواند دینی باشد؛ زیرا حکومت زور نمی‌تواند دینی باشد. (خامنه‌ای، ۱۳۷۶: ۱/ ۳۲ و ۳۳) ثانیاً، جمهوریت به‌عنوان یکی از دومینای فکری برای آزادی، تا جایی اعتبار دارد که مطابق شرع مقدس باشد. آزادی در اسلام، ریشه جهان‌بینی توحیدی دارد. علت اعتبار جمهوریت، ریشه توحیدی و آفرینش مردم به صورت آزاد توسط خداوند است. براین‌اساس، آیت‌الله خامنه‌ای یکی از محدوده‌های آزادی سیاسی را اسلامیت می‌داند و تصریح می‌کنند که آزادی در چارچوب قوانین الهی پذیرفتنی است و به‌طور کلی، مردم در جمهوری اسلامی ایران، آزادی منهای اسلام را نمی‌خواهند. بنابراین، آزادی، عدالت و همه‌واژه‌هایی که شعار انقلاب اسلامی ایران بوده است، در چارچوب قوانین اسلامی قابل تحقق است.

اسلام معتقد است که آزادی‌های مردم باید در چارچوب مقررات و ضوابط اسلامی باشد. شما آزاد نیستید در جامعه آن‌چنان که به‌اخلاق و عفت عمومی لطمه وارد می‌کند، فساد و رهایی و یله‌گی جنسی داشته باشید. اسلام این را اجازه نمی‌دهد... اسلام اجازه نمی‌دهد که در جامعه اسلامی کسانی که معتقد به‌نظام اسلامی نیستند، بنشینند افکار را و افکار ساده را منحرف کنند. بله، ما با این آزادی مخالفیم. (بیانات، ۱۳۶۱/۶/۱)

۲. آزادی در چارچوب قانون

نبود قانون‌گرایی، آزادی سیاسی را دچار تشتت کرده و در نتیجه، آثار منفی‌ای برای جامعه دارد. بر این اساس، حاکمیت قانون به‌عنوان یک‌خط قرمز معرفی می‌شود که التزام به آن برای همه افراد، احزاب، گروه‌ها و تشکلات سیاسی ضروری شناخته می‌شود. آزادی سیاسی نباید به چالش کشیدن قوانین منجر شود. چنانچه در آزادی، سیاست و یا برنامه‌ای متوجه تضعیف جایگاه این میثاق و یا رد آن باشد، محکوم بوده و به‌مثابه عملی بر ضد منافع ملی جلوی آن گرفته می‌شود. رسانه‌ها، احزاب و... در رقابت‌های غیرقانونی بیشتر به‌برخوردها، اختلاف نظرها و رسوایی و کمتر به‌ثبات، تداوم سازگاری اخلاقی و وفاق ملی علاقه نشان می‌دهند. نمود عینی این وضعیت، در اخلاق رسانه‌ای حاکم بر مطبوعات پس از پیروزی انقلاب اسلامی قابل مشاهده است؛ (خواجeh سروی، ۱۳۸۲: ۳۲) از این رو، آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارند «راه اینکه همه، حق آزادی داشته باشند، عمل به قانون است». (بیانات، ۱۳۶۰/۳/۸)

آزادی خارج از چارچوب قانونی به هرج و مرج می‌گراید. برای علاج بیماری‌ها و هتاک‌ها و مهار هرج و مرج فرهنگی نیز بهترین راه، همین است که آزادی بیان در چارچوب قانون و تولید نظریه در چارچوب اسلام، حمایت و نهادینه شود. (بیانات ۱۳۸۱/ ۱۱/۱۶)

هرگز نباید حدود قانونی و ورع‌های فرهنگی با سانسور اشتباه شود. این حدود قانونی در همه کشورهای الزامی است تا هرج و مرج ایجاد نشود. آن حدود در هیچ جای دنیا و با هیچ منطقی وجودش بد نیست، به‌معنای سانسور نیست، به‌معنای عدم آزادی نیست. بلکه نبودنش به‌معنای بلبشو و هرج و مرج است. قانون هست، قاعده هست، خط‌کش در جامعه هست. بایست بر طبق حدود و مقررات و انضباط صحیح اجتماعی عمل بشود. (بیانات، ۱۳۷۳/۲/۲۴)

معظم‌له درباره طرفداری از کاندیداهای انتخابات همواره هشدار می‌دهند، مبدا کسی اقدامات غیرقانونی انجام دهد؛ اعتراض‌ها باید از طریق قانون حل شود؛ قانون، فصل‌الخطاب است.

البتة من به‌شما عرض کنم که یکی از هدف‌های دشمن این است که با تحریک احساسات، در کشور ایجاد ناامنی کند. من قویاً توصیه می‌کنم که به‌خاطر

احساسات و به خاطر طرفداری از فلان کس، مبادا بر خلاف قانون اقدامی شود. من به هیچ وجه اجازه نمی‌دهم. (بیانات، ۱۳۷۹/۲/۱)

قانون، فصل الخطاب است؛ قانون را فصل الخطاب بدانید. انتخابات اصلاً برای چیست؟ انتخابات برای این است که همه اختلاف‌ها سر صندوق رأی حل و فصل بشود. باید در صندوق‌های رأی معلوم بشود که مردم چی می‌خواهند، چی نمی‌خواهند؛ ... پس چرا انتخابات انجام گرفت؟ ... زور آزمائی خیابانی بعد از انتخابات کار درستی نیست، بلکه به چالش کشیدن اصل انتخابات و اصل مردم‌سالاری است. (بیانات، ۱۳۸۸/۳/۲۹)

۳. ممنوعیت آزادی توطئه و براندازی نظام

سومین محدوده آزادی سیاسی، ممنوعیت توطئه است. آیت‌الله خامنه‌ای تصریح می‌کنند که کسی نمی‌تواند در برابر مخالفان نظام بی‌تفاوت باشد و باید عکس‌العمل نشان داد. ولی این عکس‌العمل در همه جا به معنای بازداشت نیست. عکس‌العمل در مقابل مخالف نظام مراحلی دارد: زبانی و در چهره نشان دادن. (بیانات، ۱۳۷۹/۹/۵) اما هرگاه آزادی به نفوذ دشمنان نظام منجر شود (بیانات، ۱۳۷۹/۷/۱۴) و یا کسانی بخواهند از آزادی برای مخالفت با انقلاب سوءاستفاده کنند، با آنان برخورد می‌شود.

بی‌رودربایستی آن کسانی که بخواهند با انقلاب سرشاخ بشوند، توی دستگاه رادیو تلویزیون، اینها قابل تحمل نیستند. آنکه بخواهد لایه‌لایه برنامه‌اش یک نیشی به انقلاب بزند حالا یک‌وقت یک انتقادی یکی از یک‌جایی دارد آن چیز مهمی نیست، اشکالی هم ندارد، در یک حدّ معقول اشکالی ندارد؛ اما به انقلاب کسی بخواهد نیش بزند، به اسلام بخواهد نیش بزند، یک تفکر مردود از نظر ما را بخواهد ترویج بکند، نه، این را ما قبول نمی‌کنیم، تحمل هم نمی‌کنیم. نباید هم تحمل بشود. (همان)

نتیجه

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، ماهیت و جنس آزادی جزو حقوق طبیعی، فطری و حقوق اولیه بشر است که از سوی خداوند به بشر اعطا شده است. براین اساس:

اولاً، در این نگرش، هیچ‌یک از دولت‌ها اجازه ندارند آزادی را از جانب خود بدانند و شهروندان

برای برخورداری و بهره‌مندی از آزادی خدادادی خود، به‌عطای آن از سوی حاکمان و فرمانروایان و یا کسب اجازه از آنان نیازی ندارند. اگر هم در عبارت‌ها بیان می‌شود، به‌تعبیر معظم‌له، تنها به‌این دلیل است که از باب وظیفه و تکلیف دولت‌ها باید آزادی را اعطا کنند. بنابراین ماهیت آزادی، ریشه‌ هستی‌شناسی و توحیدی دارد و پیش از اینکه به‌حاکمان بگوید به‌مردم آزادی بدهید، به‌مردم می‌گوید آزاد هستید؛ زیرا خداوند شما را آزاد آفرید و به‌شما آزادی داده است.

ثانیاً، از آنجا که هرچیزی که متعلق جعل الهی قرار بگیرد، اصیل است، نه اعتباری، آزادی انسان نیز از آنجا که ازجمله حقوق ذاتی و فطری انسان است که متعلق جعل الهی واقع شده، امری اصیل و حقیقی بوده، نه اعتباری؛ براین‌اساس، آزادی انسان از او قابل رفع و نفی نیست و هیچ مقامی حق ندارد به‌نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.

ثالثاً، از آنجا که آزادی انسان از سوی خداوند هنگام خلقت به‌او اعطا شده است، هیچ‌گونه دینی به‌هیچ اقتدار اجتماعی ندارد.

رابعاً، از آنجا که آزادی یک نعمت الهی محسوب می‌شود، تنها در سایه دین اسلام است که آزادی انسان می‌تواند تأمین و حفظ شود.

همچنین از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، آزادی سیاسی به‌معنای مشارکت شهروندان در نظام سیاسی است. براین‌اساس:

اولاً، آزادی بیان برای همگان حتی مخالفان باید وجود داشته باشد؛ در حکومت ولایی آزادی بیان تا آنجا مطرح است، که یک فرد عادی، قدرت مطالبه از بالاترین مقام، یعنی رهبری را دارد. ثانیاً، حقوق و حدود ملازم یکدیگرند. براین‌اساس آزادی سیاسی و تکلیف دو روی یک سکه هستند و آزادی سیاسی نمی‌تواند بدون تکلیف مطرح شود. به‌تعبیر مقام معظم رهبری آزادی دارای آداب و فرهنگی است که باید رعایت شود. بدون ادب آزادی، این نعمت بزرگ الهی، به‌استبداد و یا هرج‌ومرج منجر می‌شود.

بنابراین در مسیر تحقق ارزش‌های اساسی جمهوریت و اسلامیت، آزادی سیاسی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه‌های مقام معظم رهبری از این ویژگی‌ها برخوردار است:

آزادی سیاسی، فطری و از حقوق اولیه انسان محسوب می‌شود که متکی بر ارزش‌های اساسی است.

از آزادی عقیده و بیان، احزاب و گروه‌های سیاسی فعال، همراه با رسانه‌های آزاد، مستقل و ناظر بر نهادهای حکومتی برخوردار است.

منابع و مأخذ

۱. اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۸، *علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲. افتخاری، اصغر، ۱۳۸۰، *درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی*، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان.
۳. امام خمینی، سیدروح الله، ۱۳۸۵، *صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. بوردو، ژرژ، ۱۳۷۸، *لیبرالیسم*، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران، نشر نی.
۵. بیانات در جلسه پرسش و پاسخ در جمع دانشجویان مجتمع آموزش عالی شهید بهشتی، ۱۳۶۷/۱۰/۲۲.
۶. بیانات در خطبه نماز جمعه، ۱۳۶۱/۹/۱۲.
۷. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۴/۱۲.
۸. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۹/۱۴.
۹. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹.
۱۰. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۳/۲۲.
۱۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۰/۵.
۱۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۰/۳/۸.
۱۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۵۸/۱۱/۱۷.
۱۴. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۷۲/۱۰/۱ و بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در

دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۹/۹/۱۹.

۱۵. بیانات در دیدار اعضای جامعه مطبوعاتی کشور، ۱۳۷۳/۲/۲۴.

۱۶. بیانات در دیدار اعضای فراکسیون دوم خرداد، ۱۳۷۹/۹/۵.

۱۷. بیانات در دیدار با جوانان در مصلاهی بزرگ تهران، ۱۳۷۹/۲/۱.

۱۸. بیانات در دیدار با مدرسان معارف اسلامی آموزش و پرورش، ۱۳۶۱/۶/۱.

۱۹. بیانات در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت کشور و استانداران، ۱۳۷۰/۹/۲۷.

۲۰. بیانات در دیدار مدیران و مسئولان مطبوعات کشور، ۱۳۷۵/۲/۱۳.

۲۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۹/۱۲.

۲۲. بیانات در مصاحبه با کیهان هوایی، ۱۳۶۵/۱۱/۱۸ و سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم

بوشهر، ۱۳۷۰/۱۰/۱۱.

۲۳. بیانات در همایش عظیم بانوان در جشن میلاد کوثر، ۱۳۷۶/۷/۳۰.

۲۴. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلام در دیدار مردم مشهد، ۱۳۷۸/۱/۱.

۲۵. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینیه

امام خمینی، ۱۳۷۸/۲/۲۸.

۲۶. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۷۹/۷/۱۴.

۲۷. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع مردم مشهد مقدس و زائران حضرت

ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام، ۱۳۷۱/۱/۱۵.

۲۸. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۸/۳/۱۴.

۲۹. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم قم، ۱۳۸۲/۱۰/۱۸.

۳۰. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای دفتر تحکیم وحدت،

۱۳۷۹/۱۰/۱۳.

۳۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با دانش‌آموختگان دانشگاه تربیت مدرس،

۱۳۷۷/۶/۱۲.

۳۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مدیران و مسئولان مطبوعات کشور،
۱۳۷۵/۲/۱۳.

۳۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از دانشجویان به همراه اقشار مختلف
مردم، ۱۳۷۸/۴/۲۱.

۳۴. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه امیرکبیر،
۱۳۷۹/۹/۱۲.

۳۵. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان، ۱۳۸۱/۹/۷.

۳۶. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار عمومی، ۱۳۷۵/۷/۱۸.

۳۷. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار فرماندهان سپاه، ۱۳۸۲/۱/۱۹.

۳۸. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶/۱۱/۱۵، ۱۳۷۷/۴/۱۲، ۱۳۸۲/۱/۱۹.

۳۹. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷/۱۲/۴.

۴۰. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷/۱۲/۴.

۴۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با بسیجیان و سپاهیان لشکر پنج نصر در
مشهد، ۱۳۷۸/۱۰.

۴۲. بیانات مقام معظم رهبری با اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۷۶/۱۱/۱۵.

۴۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیان و مبلغان اعزامی در آستانه ماه
محرم الحرام، ۱۳۷۶/۲/۱۳.

۴۴. پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶.

۴۵. پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام،
۱۳۶۸/۴/۲۳.

۴۶. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۷۶، «بررسی ابعاد حکومت اسلامی»، حکومت در اسلام،

مجموعه مقالات سومین و چهارمین کنفرانس اندیشه اسلامی، تهران، امیرکبیر.

۴۷. خطبه‌های نماز جمعه تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸/۳/۲۹.

۴۸. خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۵/۱۱/۱۷.

۴۹. خواجه سروی، غلامرضا، ۱۳۸۲، *رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۵۰. دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۰/۱۲/۲۳.

۵۱. شهرستانی، عبدالکریم، ۱۳۶۲، *ملل و نحل*، ترجمه سیدرضا نائینی، تهران، نشر اقبال.

۵۲. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، ۱۳۷۰، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۵۳. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۶۴، *مقدمه علم حقوق*، تهران، نشر اقبال.

۵۴. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۷، *آزادی در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی و مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

۵۵. مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی پیرامون انتخابات، ۱۳۶۳/۱/۷.

۵۶. نویمان، فرانتس، ۱۳۷۳، *آزادی و قدرت و قانون*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، خوارزمی، چ اول.

57. Rivero, Jean, 1977, *les garanties constiutionnelles des droits de l'homme en droit francais*, Rev.int.dr.comp.

58. Goode, William J, 1966, *The Dynamics of Modern society*, New york, Atherton